بيتا فرهي تيز دويد

6 آذر 1402

خبر فوت بيتا فرهي، بازيگر مطرح سينماي ايران، بسيار غم‌انگيز بود و ما را به سال‌هاي درخشيدن اين ستاره در فيلم‌هاي هامون و كيميا برد. من نيز از زماني كه خبر فوت او را شنيده‌ام به ياد خاطراتم با اين ستاره سينماي ايران افتادم. سال 1373 بود و هنوز كشور در تب و تاب جنگي هشت ساله. جنوب هنوز آثار جنگي ويرانگر را از پيشاني نزدوده بود و اينجا و آنجا نخل‌هاي سوخته و آثار به جا مانده از نبرد با همسايه غربي صحنه‌هاي نادري نبودند. هنوز بسياري از رزمندگان ما به خانه بازنگشته بودند و خبري هم از آنها نبود. در سال 73 قرار شد فيلم كيميا به كارگرداني احمدرضا درويش و تهيه‌كنندگي هارون يشايايي، پدرم، ساخته شود و قرار شد خانم فرهي نقش نجات‌دهنده كيميا را، دختربچه‌اي كه مادرش را حين زايمان از دست مي‌دهد و پدرش نيز اسير عراقي‌ها مي‌شود، بازي كند.

بيتا فرهي در فيلم كيميا متخصص زناني بود كه كيميا را به دنيا آورد؛ همان نوزاد دختري كه مادرش حين زايمان و بمباران عراقي‌ها جان سپرده بود و بعدها در كنار خانم دكتر به تصور اينكه فرزند او است، زندگي كرده بود. خانم دكتر بعد از نجات جان كيميا او را بغل مي‌زند و از خرمشهري كه عراقي‌ها در حال تسخير آن بودند، فرار مي‌كند. نقطه اوج هنرنمايي بيتا فرهي فرار دوان دوان او با نوزاد از راه نخلستان‌هاي خرمشهر است تا بتواند جان‌پناهي پيدا كند.
روز تست بازيگران فيلم فرا رسيد. پدر به عنوان تهيه‌كننده فيلم به خانم فرهي گفت: «شما بايد با سرعت بدويد.» خانم دكتر فيلم چند قدمي را دويد، اما از نظر تهيه‌كننده اين براي صحنه‌اي كه قرار بود فرار شتابان و سريع خانم دكتر از بيمارستان خرمشهر در اوج جنگ را به تصوير بكشد، كافي نبود. هارون يشايايي شرطي را براي شروع فيلمبرداري گذاشت كه «فيلمبرداري را تا زمان خوب دويدن خانم فرهي به تعويق مي‌اندازيم.» قرار شد بيتا فرهي يك ماه هر روز در پلاتوي (استوديوي فيلمبرداري) بزرگي در طبقه پايين شركت پخشيران سريع دويدن را تمرين كند؛ روزي يك ساعت تمرين سخت و دويدن زيرنظر مربي. با قبول اين شرايط از طرف او، يك ماه از همان روز شروع شد. هر روز سر ساعت در شركت حاضر مي‌شد و با كمك مربي خود را براي صحنه فرار از خرمشهر آماده مي‌كرد؛ صحنه‌اي كه بايد بي‌وقفه و سريع مي‌دويد. يك ماه گذشت و روز تست دوباره فرا رسيد. پدر در همان پلاتو به خانم فرهي گفت: «بدويد.» و او با چابكي و سرعتي باورنكردني شروع به دويدن كرد. درست مانند همان صحنه‌اي در ابتداي فيلم كه زير تعقيب تانك عراقي، جان خود و نوزاد دختر را نجات مي‌دهد. اينجا هارون يشايايي با رضايت گفت: «عالي است، فيلمبرداري را شروع مي‌كنيم.» بيتا فرهي در كنار خسرو شكيبايي و رضا كيانيان در آن فيلم كه بعدها از بهترين فيلم‌هاي دفاع مقدس شناخته شد، بازي كرد و نامزد بهترين نقش اول زن در سيزدهمين جشنواره فيلم فجر شد. روحش شاد.

***مرجان يشايايي**